

پول و سیاستهای پولی در صدر اسلام نویسنده: کاظم صدر*

هدف اصلی این مقاله بررسی پیرامون وسیله مبادله در صدر اسلام و انواع آن می باشد. عواملی که موثر بر ارزش پول بوده و موجب ثبات یا نوسان سطح عمومی قیمت‌ها می شده است نیز مورد تحقیق قرار می گیرد. برای نیل به این هدف، نخست شرحی پیرامون داد و ستد و تجارت در صدر اسلام داده می شود تا اهمیت وسیله مبادله در آن اقتصاد روشن شود. سپس به شرح پول و انواع آن و عواملی که بر حفظ ارزش یا سرعت گردش آن مؤثر بوده پرداخته می شود. مبحث پایانی، شیوه ها و ابزارهای سیاستهای پولی در صدر اسلام و سیر تحولی آنها می باشد.

اهمیت تجارت و وسیله مبادله در اقتصاد صدر اسلام

موقعیت جغرافیایی جزیره العرب که میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته امتیاز خاصی برای آن جهت رواج تجارت میان دولت‌های ایران و روم و دولت‌های دست‌نشانده آنان یعنی شام، حبشه و یمن پیش از ظهور اسلام در این جزیره فراهم می کرد. علاوه بر این قسمتی از راه تجاری میان روم و هندوستان برای قرن‌های متعددی از جنوب و شرق جزیره العرب می گذشت که اصطلاحاً "راه تجاری جنوب خوانده می شد (۱)". کاروان‌های تجاری با استفاده از بازارهای موسمی که در یمن، حجاز و شام به ویژه در صنعاء یثرب و مکه تشکیل می شد به خرید و فروش می پرداختند (۲). راه تجاری دیگری نیز از شمال جزیره العرب می گذشت که پس از زوال رونق راه پیشین، اهمیت پیدا کرد و کالاهای ارسال شده از هندوستان پس از حمل از طریق دریا به عمان آورده می شد و از آنجا از طریق خشکی از

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، از راهنمائی‌هایی که آقایان دکتر عباس میر آخوهر، دکتر ایرج توتونچیان و دکتر اکبر کمیجانی برای اصلاح نسخه اولیه این مقاله کردند بسیار تقدیر و سپاسگزاری می شود. بدیهی است مسئولیت اشکالات باقیمانده با خود نویسنده است.

از شمال جزیره العرب و شام به روم برده می‌شد. در طول این مسیر نیز بازارهای موسمی تشکیل می‌شد و دولت‌هایی که بخصوص هنگام ظهور اسلام در این مناطق مستقر بودند به همین فعالیت بازرگانی وابسته بودند و پایتخت آنان مرکز تجارت و دادوستد کاروان‌هایی بود که در مسیر یاد شده آمد و شد می‌کردند. پایتخت دولت‌های لخمیان، آل‌کنده و غسانیان به ترتیب حیره، دومة‌الجندل و بصری بود که هر سه در امتداد راه تجاری شمال قرار داشتند (۳).

غیر از دوره جنوب و شمال یاد شده، مسیر تجاری سومی - از زمانی که هاشم‌رهبری قبیله قریش را برعهده گرفت - میان شام و یمن برقرار شد (۴). تجارت از این راه راه‌شام پس از کسب توافق و اجازه پادشاهان روم، ایران، حبشه و یمن مجدداً "احیاء کرد و این امتیاز را به قبیله قریش اختصاص داد. از آن به بعد بازرگانی در این مسیر توسعه و رونق یافت و قبیله قریش به مال و منال فراوان دست یافت. مکه مرکزیت بازرگانی پیشین را باز یافت زیرا خانه کعبه آنجا واقع بود و همه قبایل عرب هر ساله برای زیارت خانه کعبه که در مکه واقع است و انجام مراسم حج به مکه می‌آمدند. پیش از شروع موعد مراسم یاد شده، قبایل به داد و ستد می‌پرداختند. حرم بودن خانه کعبه امنیت لازم را برای تجارت ایجاد می‌کرد (۵). ممنوع شدن جنگ و خونریزی در چهارماه از سال و واقع شدن زمان مراسم حج در همین مدت (۶)، سلامت حرکت کاروان‌های تجاری را به سوی مکه و بازگشت آنها را به‌خاستگاهشان تضمین می‌کرد. بالاخره بسته شدن پیمان حلف‌الفضول میان قبائل عرب، امنیت تجارت را در مکه بیش از پیش بالا برد (۷). به علل فوق، تجارت عمده‌ترین فعالیت در اقتصاد جزیره العرب بود. به علت شرایط آب و هوایی، جز در یمن امکانات کشاورزی وجود نداشت. تنها در واحه‌هایی در حجاز و عربستان مرکزی از جمله در یثرب و طائف کشاورزی به شکل محدودی وجود داشت (۸). دامنه کارهای پیشه‌وری و صنعتگری از آن هم محدود تر بود. به همین جهت، قبایلی که کوچ‌نشین نبودند و دائم به جنگ و گریز نمی‌پرداختند، یا به تجارت مشغول می‌شدند و یا به کاروان‌های تجاری خدمات بازرگانی می‌رساندند (۹).

از شرح فوق معلوم می‌شود که تجارت اساس اقتصاد جزیره العرب پیش از اسلام نبود. شرط تحقق داد و ستد، وسیله مبادله، معتبر می‌باشند. چنانکه پیش از این اشاره شد، جزیره العرب و مناطق همسایه آن یا مستقماً "در قلمرو حکومت‌های ایران و روم بودند و یا تحت نفوذ ایشان قرار داشتند. واحد پول در دولت‌های مزبور درهم

ودینار بود (۱۰). در اقتصاد جزیره نیز این دو نوع پول مورد قبول واقع شده بود؛ چون علاوه بر قدرت سیاسی دولتهای مزبور که وسیله مبادله در قلمرو حکومت ایشان را اعتبار می‌بخشید، طرفهای بازرگانی اعراب در نهایت ایرانیان و رومیان بودند که خرید و فروش خود را یا به وسیله درهم و یا دینار انجام می‌دادند. سکه‌های درهم و دینار دارای وزن مشخص و مقدار معینی نقره و طلا بود. گرچه در دوران حکومت بنی امیه و بنی عباس وزن آنها تغییر کرد و در خود ایران بعد از اسلام نیز مقدار نقره موجود در سکه‌های درهم از منطقه ای به منطقه دیگر فرق می‌کرد، اما در طول صدر اسلام وزن سکه‌های مزبور ثابت و معین بوده است و امروزه نیز مقدار زکات طلا و نقره بر اساس همان اوزان درهم و دینار در صدر اسلام در رساله‌های عملیه تقریر می‌شود (۱۱). ارزش هر دینار برابر با ده درهم بود.

طبعاً در معاملات که در شام یا مصر انجام می‌شد دینار مبادله می‌شد و در مبادلاتی که در عراق یا ایران صورت می‌گرفت درهم ردوبدل می‌شد. گسترش فتوحات اسلامی در قلمرو دولتهای ایران (عراق، ایران، بحرین، ماوراءالنهر) و روم (شام، مصر، اندلس) بر رواج سکه‌های یاد شده افزود، به ویژه که تازمان حکومت حضرت علی (ع) سکه‌ها جانشین یافت نمی‌شد. معین بودن نسبت ارزش درهم و دینار، مشکلی برای پول رایج ایجاد نمی‌کرد؛ چه اگر واحد آنرا در هم فرض کنیم، دینار ضربی از آن می‌شد و اگر دینار قلمداد کنیم، درهم برابر با عشار آن می‌بود. معذک، می‌توان استنباط کرد که درهم متداولتر از دینار بوده است زیرا تقریباً تمام کشور ایران در همان صدر اسلام به تصرف نیروهای اسلام درآمد در حالی که قلمرو دولت روم همگی از تصرف آن خارج نشد. دیگر اینکه اداره بیت‌المال مسلمانان از زمان حکومت عمر ابن الخطاب به عهده ایرانیان درآمد؛ چه، عمر عده زیادی از دفتر داران و حسابداران را که با دیوانداری آشنا بودند استخدام کرد و حساب دخل و خرج بیت‌المال را به ایشان سپرد (۱۲). حسابهای یاد شده را طبعاً ایرانیان بر حسب درهم ارائه می‌کردند. خود این امر یعنی محاسبه درآمدها و مخارج بیت‌المال بر حسب درهم به تداول بیشتر آن کمک می‌کرد.

نوع دیگر پول در صدر اسلام، پول اعتباری بود. رواج تجارت در جزیره العرب به عللی که ذکر شد، آن هم از قرن‌ها پیش از اسلام، استفاده از پول اعتباری را ایجاب می‌کرد.

درهم و دینار، علیرغم تمام مزایایی که برای مبادله داشتند، فاقد محاسن پول

اعتباری بودند. اگر ارزش معامله‌ای معتنا به بود، تعداد بسیار زیادی سکه لازم بود پرداخت شود. هم وزن و هم حجم سکه‌ها، از مطلوبیت آنها به عنوان وسیله مبادله می‌کاست. اضافه بر این ممکن بود یکی از طرفهای معامله به سرعت و به سهولت نتواند درهم و دینار لازم را تهیه کند.

در مقابل، اگر طرف مزبور تاجر یا سابقه و معتبری بود، حواله یا رسید او ممکن بود مورد قبول تجار دیگر واقع شود. کثرت تجارت و سفرهای بازرگانی که پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) حداقل سالی دوبار میان شام و یمن صورت می‌گرفت، احتمال صدور و قبول حواله، چک یا سفته را میان تجار شام و قریش و یمن پدید می‌آورد. سعید افغانی نمونه‌ای از مبادله حواله را در بازار عکاظ قبل از اسلام روایت می‌کند (۱۳).

از طرفی، بعید است که تمام معاملات تجارتنی در صدر اسلام به شکل نقد صورت گرفته باشد. رواج معاملات نسیه پیش از اسلام و تجویز آن پس از اسلام با اصلاحاتی، نشانه کثرت استفاده از این معامله است. در صورت اخیر قاعدتا "رسیدی میان طرفین معامله مبادله می‌شده است. اگر این رسید مورد قبول سایر معامله کنندگان نیز واقع می‌شد، وسیله مبادله قرار می‌گرفت و حکم پول را پیدا می‌کرد. رواج حواله‌های یاد شده به اندازه‌ای متداول بوده است، که عمر ابن الخطاب در زمان حکومتش چک صادر می‌کرد و این چکها مورد قبول مردم واقع می‌شد. به گزارش یعقوبی، در زمان حکومت عمرو به دستور او کالای زیادی از مصر به مدینه فرستاده شد. حجم زیاد کالای وارد شده مانع از توزیع سریع آن میان مردم شد. لذا عمر برای اشخاص و خانوارهای ذیحق چک صادر کرد، تا به تدریج و به مرور زمان هر کدام به بیت‌المال رجوع کنند و سهمیه خویش را تحویل گیرند (۱۴). استفاده از چک توسط عمرو و قبول آن توسط مردم حاکی از رواج این وسیله مبادله در اقتصاد صدر اسلام می‌باشد.

یکی دیگر از معاملات رایج در جزیره العرب که در اسلام نیز با شرایطی مورد قبول واقع شد، خرید دین یا ذمه شخص است توسط شخص دیگر (۱۵). در این معاملات معمولاً سفته مبادله می‌شود. جواز معامله یاد شده در اسلام نشانه استفاده از آن در دوره صدر اسلام و نیز شاهی دیگر از مبادله پول اعتباری در آن دوره می‌باشد.

در عین حال، نباید تصور کرد که حجم پول اعتباری نسبت به حجم پول در گردش در آن مدت نسبت چشمگیری را تشکیل می‌داده است. دامنه گسترش اسناد یاد شده حداکثر از عده‌ای تاجر تجاوز نمی‌کرد. کثرت قبائل و اختلافات دائمی آنها و بعد مسافت

زیاد مناطق شمالی، مرکزی و جنوبی جزیره العرب و سستی مسافت - جز با تدارکات و تمهیدات زیاد - همه حاکی از جو عدم اطمینان در آن جزیره و عدم قبولی پولی جز دینار و درهم می باشد.

عرضه و تقاضای پول در صدر اسلام

مراد از پول در این قسمت همان دینار و درهم است که واحد پول در روم و ایران بود. در طول دوران حکومت پیامبر اسلام (ص) واقامت ایشان در مدینه، دینار از روم و درهم از ایران وارد می شد. بسته به حجم کالاهای صادراتی به این دو کشور یا مناطق تحت نفوذ آنها، یا دینار و درهم به اقتصاد صدر اسلام وارد می شد یا کالا. طبعاً اگر در بازار داخلی، تقاضا برای پول بالا می رفت، پول به جای کالا وارد می شد و در صورت عکس، کالا آورده می شد. نکته شایان توجه اینست که وارد کردن پول هیچ محدودیتی نداشت، چون تقاضای داخلی حجاز برای دینار و درهم به علت کمی حجم نسبی آن، هیچ تاثیری بر تقاضای عرضه پول در اقتصاد روم و ایران نمی گذاشت. با این وصف پول در دوران حکومت پیامبر اسلام (ص) توسط بیت المال عرضه نمی شد؛ بلکه، ضمن مبادلات بازرگانی از خارج تأمین می شد. به علت فقدان هرگونه مانعی از قبیل تعرفه یا گمرک برای واردات، پول به اندازه های به حجاز وارد می شد که تقاضای داخلی را تأمین می کرد. از طرفی چون دینار و درهم معادل ارزش خود دارای نقره و طلا بودند، قابل تبدیل به سایر جواهرات و زینت آلات نیز بودند. بدین جهت می توان عرضه پول را کاملاً با کشش در اقتصاد صدر اسلام نسبت به سطح درآمد ملی تلقی کرد. در دوران زمامداری عمر، چنان که گفته شد، ایران به تصرف او درآمد. از این زمان به بعد، گرچه دولت مستقلاً در ایران وجود نداشت که به ضرب سکه مبادرت ورزد، ولی نهادهای اقتصادی و ضرابخانه ها تعطیل نشدند (۱۶). از طرفی، خود مسلمانان رفته رفته با تکنولوژی ضرب سکه آشنا شدند؛ به طوری که در زمان خلافت حضرت علی (ع) بیعت المال رسماً بنام حکومت اسلامی به ضرب سکه مبادرت ورزید (۱۷).

برخی از مورخین احتمال می دهند که حتی در دوران عمر یا عثمان نیز سکه ضرب شده است؛ ولی آنچه مسلم است سکه های باقیمانده از آن دوران که در موزه ها موجودند حکایت از آغاز ضرب سکه از زمان زمامداری حضرت علی (ع) دارد (۱۸). پس اگر پیش از این بیعت المال بر کیفیت سکه های که وارد می شد نظارت می کرد، پس از این، به عرضه

پول مستقیماً "می پرداخت . البته دوران خلافت حضرت علی (ع) بسیار کوتاه بود ، چون پس از چهار سال خلافت به شهادت رسیدند و به علت رویدادها و تنشهای خاصی که در هر سال از حکومت حضرت رخ داد (۱۹) ، سکه مضروب بیت‌العمال ، پول رایج نشد . لذا ، عرضه پول را در طول دوره صدر اسلام می‌توان به همان شکل موجود در زمان پیامبر اسلام (ص) تلقی کرد .

چرا در دوران حکومت رسول خدا (ص) و نیز در مدت خلافت ابوبکر ، عمر ، و عثمان سکه ضرب نشد ؟ مطالعه وضعیت مسلمانان در سالهای پس از هجرت ، علت عدم ضرب سکه را در زمان پیامبر اسلام (ص) روشن می‌سازد . تا سال ششم هجرت و پیش از صلح حدیبیه ، موجودیت جامعه مسلمانان پیوسته در خطر براندازی توسط قریش و سایر دشمنان ایشان بود . درست یک سال قبل ، در جنگ احزاب ، همه مشرکان هم داستان شدند و مشترکاً " به مدینه حمله کردند . به برکت رهبری رسول خدا (ص) و راهنمایی سلمان و فداکاری علی (ع) حمله یاد شده دفع شد . صلح یا قریش در حدیبیه ، برای اولین بار به پیامبر اسلام فرصت داد تا دعوت خود را به بیرون از جزیره العرب گسترش داده و سفیرانی برای دعوت همسایگان دور و نزدیک به اسلام گسیل فرمایند (۲۰) . وسعت امت اسلام تا آن تاریخ بسیار محدود بود و جمعیت ایشان کمتر از ۵۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است (۲۱) . پس از شکست قریش و فتح مکه در سال هشتم هجرت ، مسلمانان از شر دشمن اصلی خود خلاصی یافتند و از این سال به بعد قبایل و عشایر مختلف جزیره العرب اقدام به پذیرش اسلام کردند ، به طوری که هنگام رحلت پیامبر اعظم (ص) جمعیت مسلمانان ۲۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است (۲۲) . پیش از فتح مکه دامنه اقتصاد مسلمانان محدودتر از آن بود که ضرورت ضرب سکه و عرضه وسیله مبادله را نوجیه کند . اما پس از فتح مکه و گسترش حکومت اسلامی ، پیامبر اکرم (ص) به اقداماتی اساسی نظیر سرشماری عمومی مبادرت ورزیدند (۲۳) . مناسبانه رحلت وجود مقدسشان مانع تکمیل سرشماری و آغاز هرگونه اقدامی در زمینه ضرب سکه گردید . باید دانست که تا آن زمان مسلمانان بازرگری و اسلحه‌سازی و " احتمالاً " فن صرب سکه آشنا شده بودند (۲۴) . و با این مشکل آنان برای ضرب ناآشنایی با فن آن نبود . مدت خلافت ابوبکر تنها دو سال بود ، ولی در مقابل عمرو عثمان به ترتیب ده و چهارده سال فرمانروایی کردند . در دوران خلافت عمر اقدامات زیادی برای متحول ساختن تشکیلات و اداره بیت‌المال به عمل آمد . همچنین سرمایه‌گذارهای زیربنایی فراوانی در عهد او انجام پذیرفت (۲۵) . او اولین کسی بود که اقدام به انتشار چک از طرف بیت‌المال

نمود. نیز، اولین کسی بود که مالیاتهای جدیدی به نام عشور بر واردات وضع کرد (۲۶). در زمان خلافت او فتوحات مسلمانان فوق العاده توسعه یافت و درآمدهای شایانی از ناحیه خراج عاید بیت المال شد. بنابراین، نمی توان سببی برای اقدام کردن به ضرب سکه از جانب بیت المال و رواج دادن آن در سراسر حکومت اسلامی از طریق استفاده از ضرباخانه های موجود در ایران پیدا کرد. در زمان عثمان، هیچ اقدام تازه و بدیعی در زمینه های اقتصادی به عمل نیامد، علیرغم آنکه دامنه فتوحات مسلمانان گسترش یافت. لذا، انتظار تحول در نظام پولی مملکت اسلامی نیز در دوران زمامداری وی نباید داشت. به هر حال، این ضرورت در زمان خلافت امیر المؤمنین (ع)، چنانکه گفته شد، تدبیر شد و تحول لازم در نظام پولی کشور پدید آمد. گویانکه این تحول به خاطر شهادت امیرمومنان (ع) چهارسال پس از تصدی خلافت و روی کار آمدن معاویة ابن ابی سفیان پس از حضرت دوام نیافت.

حال که وضع عرضه پول در صدر اسلام مشخص شد، به تشریح تقاضای آن می پردازیم. اقتصاد صدر اسلام، همان طوریکه توصیف شد، مبتنی بر فعالیت بازرگانی بود. کثرت معاملات و خدمات تجاری تقاضای پول را پدید می آورد. لذا تقاضای عمده و اصلی برای پول در آن دوره تقاضای معاملاتی پول بود. علاوه بر آن، به علت شرایط نامساعد طبیعت و نیز عداوت قریش با مسلمانان و درگیری حداقل ۲۶ غزوه و ۳۲ سریه برای مسلمانان (۲۷) که به طور متوسط سالی شش جنگ بر مسلمانان پس از دوران هجرت رسول اکرم (ص) تحمیل می کرد، تقاضای پول را برای رفع نیازهای پیش بینی نشده و رعایت احتیاط پدید می آورد. بنابراین تقاضای اخیر نیز برای پول در صدر اسلام موجود داشت. غیر از موارد یاد شده پول مصرف دیگری نداشت. به علت تحریم کنز (۲۸)، کسی حق نداشت که سکه های خود را از جریان گردش پول خارج سازد و با ایجاد وقفه در گردش آن به تغییر اسعار و بهره برداری این تغییر بپردازد. حرمت احتکار مانع از انجام کار مشابهی با کالاها می شد (۲۹). نهی از تلقی رهبان (۳۰) نیز مصرفی جز کاربرد های یاد شده برای پول باقی نمی گذاشت (پیش از بعثت رسول اکرم رسم بر این بود که هنگام رسیدن یک کاروان تجاری به نزدیک شهر یک یا چند تن پولدار از شهر بیرون رفته و با اطلاع از وضع بازار شهر و سوء استفاده از عدم آگاهی کارواندار، مال التجاره را به قیمتی ارزان می خریدند و سپس به شهر آورده و به بهای گران می فروختند. این فعالیت چنان که گفته شد توسط رسول خدا (ص) نهی شد و انگیزه ای برای این گونه بهره برداریها از داشتن پول نقد به جا گذاشت). بنابراین تقاضای پول منحصر به همان تقاضای معاملاتی و احتیاطی پول بود.

با روشن شدن وضعیت عرضه و تقاضای پول، می‌توان به چگونگی تعیین ارزش پول و ثبات آن پی برد. با اقبال ساکنان جزیره العرب به اسلام، پیوسته به جمعیت مسلمانان افزوده می‌شد (۳۱). علاوه بر این، غنائمی که در جنگهای مختلف به دست می‌آمد و میان مسلمانان تقسیم می‌شد، سطح رفاه و درآمد ایشان را اعتلاء می‌داد. اضافه بر اینها، وجود مقدس رسول اکرم (ص) نیز با سیاستهای ویژه خود، امکانات تولید و اشتغال مسلمانان را پیوسته ارتقاء می‌داد که در زیر به آنها اشاره خواهد شد. این عوامل، همه باعث افزایش تقاضای معاملاتی پول در اقتصاد صدر اسلام می‌شد. در مقابل، به علت کشش پذیری عرضه پول، یعنی فقدان مانع برای ورود آن به هنگام کمبود عرضه، یا افزایش واردات کالا، هنگام مازاد عرضه آن، هیچ فزونی یا کاهش در عرضه پول، در بلند مدت پدیده نمی‌آمد و پیوسته بازار آن در تعادل باقی می‌ماند. بدین جهت ارزش پول نیز ثابت باقی می‌ماند.

آنچه می‌توانست در کوتاه مدت در ارزش پول نوسان ایجاد کند همان فعالیت‌هایی بود که از جانب شارع تحریم یا نهی شده بود. غیر از این، تبدیل پول به سایر اقلام دارائی به خصوص اسناد مالی می‌توانست در بازار پول اختلال ایجاد کند. معاملات یاد شده وقتی ممکن بود چنین اثری داشته باشد که اولاً "در حجم زیاد صورت گیرد و ثانیاً" یک بازار اسناد بهادار فعالی در کنار بازار پول وجود داشته باشد. چنین وضعیتی چنان که مشاهده کردیم در صدر اسلام وجود نداشت. اولاً "حجم پول اعتباری نسبت به پول تمام عیار بسیار ناچیز بود. ثانیاً" آن دسته از اسناد مالی که به صورت سفته یا برات یافت می‌شد و قابل تنزیل بود بسیار نادر و حجم آنها نسبت به دینار و درهم در گردش بسیار ناچیز بود. پس خرید و فروش اسناد بهادار یکی از معاملات رایج آن زمان نبود. شواهد تاریخی (۳۲) نیز حاکی از فقدان چنین معاملاتی حتی پیش از اسلام می‌باشد. با این وصف معلوم می‌گردد که بازار پول پیوسته در بلند مدت در تعادل باقی مانده و ارزش پول ثبات کامل داشته است.

سرعت گردش پول

عامل دیگری که بر حفظ ارزش پول موثر است سرعت گردش آن می‌باشد. لذا، در زیر به بررسی ثبات یا عدم ثبات سرعت گردش پول در صدر اسلام می‌پردازیم. ساخت بازارهای صدر اسلام و جغرافیای اقتصادی آن مؤثرترین عامل بر سرعت گردش پول بودند. در عین

حال، نظام حقوقی حاکم وبه ویژه مقرراتی که برداد و سند و استفاده از پول وضع شده بود تاثیر بسزایی بر بالا بردن سرعت گردش پول داشت. تحریم کنز پول مانع از اندوختن و خروج درهم و دینار از جریان گردش می شد. همچنین سایر محدودیتهایی که براننتفاع پول حاکم بود و مانع از پدید آمدن تقاضای نقدینگی برای پول می شد بر سرعت بخشیدن به گردش پول کمک بسیاری می کرد. از طرفی، تشویق به بستن قراردادهای کوتاه مدت مشارکت و پرداخت قرص الحسنه به نوبه خود گردش پول را تسریع می کرد. بنابراین، سیاستهای تشویقی و مقررات موضوعه بر تسریع گردش پول اثر بسیار زیادی داشت. معذک، عامل تعیین کننده، ساخت اقتصاد و نسبت معاملات تجاری و نقدی به کل معاملات بود. تجارت که پیش از بعثت رسول اکرم (ص) و در دوران اقامت آن حضرت در مکه، در انحصار قریش بود، به برکت اقدامات پیامبر اکرم به تدریج از انحصار ایشان درآمد و پس از فتح مکه، آخرین امتیازات انحصاری قریش نیز چه در اداره خانه کعبه و چه در تشکیل سازماندهی بازار عکاظ و ذی المجاز در مکه (۳۳) از ایشان سلب شد. شکسته شدن انحصار یاد شده موجب حسن کار کرد بازار تجارت و افزایش کارایی آن گردید. همچنین این تحول موجب توزیع متعادلتر درآمد میان داد و ستد کنندگان شد و تقاضای موثر را در سطح بازار افزایش داد. لذا، امکان دارد که تغییر ساخت بازار تجارت سرعت گردش پول را بالا برده باشد.

از طرف دیگر در بخش کشاورزی و کوچ نشینی اقتصاد صدر اسلام به احتمال زیاد کالاها بصورت پایاپای مبادله می شده و بنابراین دینار و درهم مبادله نمی شده است. اما در صورت مبادله، تبادل آن باکندی صورت می گرفته که به نوبه خود برگردش پول در کل اقتصاد اثر می گذاشته است. می توان پیش بینی کرد که پس از هجرت حضرت به مدینه، به تدریج، سرعت گردش پول روبه افزایش نهاده باشد. پیروزیهای مسلمانان در غزوات و از میان رفتن دشمنان ایشان، اطمینان و خوش بینی به آینده را در میان توده های مسلمان تقویت می کرد. پس از صلح حدیبیه این اطمینان زاید الوصف شد و پس از فتح مکه، نظام اسلامی کاملاً "در جزیره العرب تثبیت شد. بنابراین، انتظار می رود که علاوه بر توسعه حجم فعالیتهای اقتصادی، سرعت گردش پول نیز افزایش یافته باشد.

اثر سیاستهای مالی در صدر اسلام بر ارزش پول

حال باید دید سیاستهای مالی که در صدر اسلام برای افزایش رفاه و درآمد و

اشتغال مسلمانان اتخاذ شد، چه ناشیری بر سطح قیمت‌ها و ارزش پول گذاشت. در دوران حکومت حضرت رسول، قطع نظر از یکی دو سال آخر، اقتصاد دچار کمبود تقاضای مؤثر بود. مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه که نه دارای ثروت و پس‌اندازی بودند و نه مهارتی که در مدینه مورد تقاضا باشد را واجد بودند، چنین وضعیتی را پدید آورده بود. از طرفی، جنگ‌های متعددی نیز از ذخیره نیروی کار فعال ایشان می‌کاست. لذا ضرورت داشت سیاست‌هایی به منظور افزایش تقاضای کل اتخاذ گردد. معذالک مشاهده می‌کنیم که سیاست‌های اتخاذ شده غالباً "همراه با افزایش تقاضای کل، امکان تولید و اشتغال را نیز بالا می‌برد به طوری که اثر نامطلوبی بر ارزش پول نداشت. مهمترین مسأله در دوران حکومت پیامبر اسلام از نظر سیاست‌های یاد شده، تأمین مخارج جنگ‌های متعددی بود که به طور متوسط هر دو ماه یکبار مسلمانان درگیر آن می‌شدند (۳۴). تهیه اسلحه، وسیله حمل و نقل و توشه راه، هزینه‌های سنگینی بر بیت‌المال تحمیل می‌کرد. همچنین تأمین حد نصاب عیشت برای همه مسلمانان بر تعهدات مالی بیت‌المال می‌افزود. جز این، حقوق قضات، ماموران تبلیغ، دبیران بیت‌المال و گردآورندگان مالیات‌ها، از بیت‌المال پرداخت می‌شد. علیرغم تأمین مخارج مزبور، در طول دوره صدر اسلام، هیچ‌گاه بیت‌المال دارای کسر بودجه سالانه نبود. از دوره زمامداری عمر ابن‌الخطاب، به علت دریافت خراج زمین‌های تازه فتح شده، بیت‌المال دارای مازاد بودجه هنگفتی شد. ولی حتی در دوران اولیسه هجرت رسول اکرم به مدینه نیز بیت‌المال فاقد کسری بود (۳۵). تنها در یک مورد مشاهده شده که پیامبر اسلام اقدام به استقراض فرمودند؛ و آن پس از فتح مکه و برای پرداخت به تازه مسلمانان مکه بود (۳۶). لیکن، این قرض در کمتر از یکسال، پس از بازگشت از نبرد حنین پرداخت شد.

سایر سیاست‌های اجرا شده توسط پیامبر اکرم (ص) به افزایش توان تولید و نیروی اشتغال مسلمانان کمک می‌کرد. تشویق انصار و مهاجران، از همان آغاز ورود به مدینه، به بستن قرار داد‌های مضاربه، مزارعه، و مساقات با یکدیگر (۳۷) باعث به اشتغال درآمدن نیروی کار مهاجران و سرمایه نقدی انصار که به صورت مزرعه و باغ بود گردید، و در اثر آن بازدهی فعالیت‌های بازرگانی و کشاورزی در مدینه بالا رفت. این سیاست که تولید را در جامعه مدینه افزایش داد به دنبال بسته شدن عقد اخوت میان مهاجران و انصار به اجرا درآمد (۳۸). عقد اخیر که تقاضای کل را بالا برده بود با تشویق پیامبر (ص) برای انجام مضاربه و مشارکت دنبال شد و در نتیجه عرضه و تقاضای کل مجدداً "متعادل

شد و ارزش پول محفوظ باقی ماند .

یکی دیگر از اقدامات پیامبر اکرم (ص) که فعالیت کشاورزی را در اقتصاد مدینه توسعه داد تقسیم زمینهای قبیله بنی نضیر بود میان مهاجران و دوتن از انصار که پس از خیانت قبیله یادشده به مسلمانان و به غنیمت درآمدن زمینهای آنان صورت گرفت (۳۹) . اقدام دیگر که در جهت گسترش فعالیتهای اقتصادی ، از جانب پیامبر اکرم (ص) در همان سالهای اول ورود به مدینه صورت گرفت تقسیم زمین میان مهاجران برای ساختن مسکن بود . این اقدام ، هم ، درجه رفاه مسلمانان را ارتقاء بخشید ، وهم ، سطح اشتغال را میان ایشان افزایش داد . هر دو سیاست به ارتقاء سطح تولید و خدمات در اقتصاد مدینه کمک کرده و تعادل تقاضا و عرضه کل و بالتبع ، سطح قیمتها را محفوظ نگه داشتند . با زیاد شدن درآمد بیت المال در دوره حکومت جانشینان حضرت رسول (ص) ، سرمایه گذاریهای زیربنایی مورد توجه قرار گرفت و مبالغ شایانی صرف این امر شد . کانالها و شبکه های آبیاری در مصر ترمیم شده و توسعه یافت . یک ترعه جهت تسریع حمل و نقل دریایی و کالا رسانی از مصر به مدینه ، از فسطاط پایتخت وقت مصر به دریای احمر کشیده شد (۴۰) . برای توسعه مناطق و سهولت رفت و آمد با ایران دو شهر بصره و کوفه ساخته شد (۴۱) . این اقدامات که همه انباره سرمایه را در اقتصاد صدر اسلام افزایش می داد ، به افزایش عرضه کل و رشد همراه با تعادل در اقتصاد مزبور کمک می کرد . به همین جهت ارزش پول محفوظ باقی می ماند و سطح قیمتها جز در سالهای معدودی که خشکسالی بر بخش کشاورزی حاکم می شد ، از ثبات نسبی برخوردار بود . بنابراین ، سیاستهای مالی ، علیرغم ماهیت انبساطی خود در صدر اسلام بر ارزش پول هیچ اثر نامطلوبی نداشت .

ابزار سیاستهای پولی

از مباحث پیشین نتیجه می شود که هیچ یک از ابزارهای که امروزه برای اجرای سیاست پولی متداول است در صدر اسلام مورد استفاده قرار نگرفته است . به علت فقدان یک نظام بانکی و استفاده از پول تمام عیار ، استفاده از نسبت قانونی برای ذخیره پول در بانکها برای افزایش یا کاهش خلق پول در اقتصاد مفهوم و مصداقی نداشته است . پول اعتباری مورد مبادله نیز نقشی در خلق پول نداشته است ، چه اولاً " در میان داد و ستد کنندگان بسیار معدودی مبادله می شده است و ثانیاً " به علت احکامی که بر استفاده از سفته و معاملات اسناد بهادار مترتب بوده ، خاصیت خلق پول را از پولهای اعتباری سلب

می‌کرده است (۴۲).

سفته یا برات فقط در معاملات نسبه به ترتیب ، در مقابل دریافت کالا یا دریافت پول ممکن است صادر شوند . در غیر اینصورت ، صرفاً " به قصد گشایش اعتبار یا به منظور دیگری جایز نیست که صادر شوند . پس از صدور ، دریافت کننده می‌تواند طلب خود را بفروشد . اما خریدار نمی‌تواند پیش از وصول مبلغ یا کالای مبادله شده در معامله قبلی اقدام به فروش مجدد طلب خود نماید . بدین جهت بازاری برای خرید و فروش اسناد بهادار یا بورس یا استفاده از نقدینگی پول پدید نمی‌آید و پول اعتباری نمی‌تواند پول خلق کند .

حاکمیت قانون فوق تاثیر شگفتی بر توازن جریان گردش کالا و پول دارد . این توازن در معاملات نقد واضح است چون در ازاء خرید یا فروش کالا ، پول پرداخت یا دریافت می‌شود . غیر از این مورد ، فقط در معاملات نسبه یا سایر عقود شرعی در ازاء تحویل کالا یا یک خدمت اقتصادی پول رد و بدل می‌شود . به بیان دیگر در هر داد و ستدی که در اقتصاد ، ارزش افزوده واقعی پدید می‌آید ، در چهارچوب ضوابط شرعی ارزش ، پول مبادله می‌شد . در سایر موارد ، نظیر قماربازی ، رباخواری ، مبادله های کالی به کالی ، و خرید و فروش سفته‌های صوری ، امکان نداشت توسط مسلمانان مومن صدراسلام پول پرداخت شود . لذا هماهنگی گردش پول و کالا در اقتصاد محفوظ باقی می‌ماند و با توجه به ثبات نسبی سرعت گردش پول در هر دوره ، توازن حجم پول با حجم ارزش واقعی کالاها و خدمات در گردش ، کاملاً " محقق می‌شد .

ابزار دیگری که امروزه برای تنظیم حجم پول در گردش مورد استفاده قرار می‌گیرد ، خرید و فروش اسناد بهادار است توسط بانکهای مرکزی که به عملیات باز در بازار مشهور است . بدیهی است که از این ابزار در صدر اسلام ، به شرحی که گذشت ، استفاده نمی‌شد و هرگز چنین سوداهاهی از آن دوره گزارش نشده است . ابزار سومی که باز امروزه متداول است ، کاهش یا افزایش نرخ بهره و امهای اعطائی در سطوح مختلف بانکها است . این وسیله نیز خود به خود به علت تحریم ربا در صدر اسلام منتفی بود . بنابراین ، ابزارهای یاد شده هیچ کدام قابلیت طرح و کاربرد را در اقتصاد صدراسلام به شرحی که گذشت نداشتند . در عین حال ، ملاحظه می‌کنیم که دستگاه رهبری نقش موثری در بازار پول جهت حفظ ارزش آن ایفا کرده است . در ابتدا ، دولت به نظارت بر کیفیت و عیار سکه های دینار و درهم می‌پرداخت تا قدرت خرید هر دینار یا درهم محفوظ بماند . نظر به اینکه

پول از ایران و روم وارد می‌شد و حجم تقاضای پول در جزیره نسبت به تقاضای کل ایران و روم ناچیز بود ، تقاضای منطقه‌ای جزیره تأثیری بر تقاضا یا عرضه پول در ایران و روم نداشت . بازار پول وقتی در روم و ایران به تعادل می‌رسید ، ارزش پول را برای اقتصاد جزیره العرب نیز به‌طور برون‌زا تعیین می‌کرد . لذا ، تنها اقدام لازم برای حفظ ارزش پول در منطقه مزبور در این برهه ، مراقبت برعیار سکه های وارد شده بود ، که از طرف بیت‌المال صورت می‌گرفت . در دوران حکومت جانشینان پیامبر اکرم (ص) ، به علت فتوحات زیاد ، دامنه اقتصاد صدر اسلام از جزیره العرب فراتر رفت و تاجائی رسید که هنگام خلافت حضرت علی (ع) ، نظام اسلامی ، علاوه بر جزیره ، بخش عظیمی از آسیا ، اروپا و آفریقا را زیر پرچم خود درآورده بود . بنابراین ، تقاضای پول در اقتصاد صدر اسلام نسبت به وضع سابق آن تغییر فاحشی پیدا کرده بود . به دنبال این تحول ، مشاهده می‌کنیم که در دوران خلافت امیرالمؤمنین (ع) ، بیت‌المال اقدام به ضرب سکه می‌کند تا عرضه پول را درون‌زا کرده و هم‌زمان آنرا در اختیار بخش عمومی قرار دهد .

علاوه بر تحول فوق ، یعنی عرضه شدن پول به وسیله بیت‌المال و خروج آن از اختیار بخش خصوصی ، مراقبت‌های جدیدی از جانب دولت در بازار پول صورت می‌پذیرد . از جمله این دخالت‌ها فرمان حضرت علی (ع) است به والی خود در اهواز مبنی بر منع اهل ذمه از معاملات صرف در آن ولایت (۴۳) . این فرمان ، همراه با مراقبت‌ها و دخالت‌های ذکر شده از زمان پیامبر اسلام (ص) جریان نظارت ، دخالت و تسلط بیت‌المال را بر بازار پول نشان می‌دهد . بالطبع این دخالت‌ها که برای حفظ ارزش پول به مرور زمان توسعه و افزایش می‌یابد ، حکایت از سیاست پولی در آن دوره و نحوه اجرای آن می‌نماید .

علاوه بر اقدامات فوق جهت هدایت و تنظیم بازار پول و تثبیت ارزش آن ، قوانین و مقرراتی نیز از جانب دولت وضع شد که اجرای سیاست یاد شده را تسهیل کرده و قدرت خرید پول را محفوظ نگه داشت . چند مورد از این احکام که بر بازار پول نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند ، در زیر شرح داده می‌شوند .

۱ - تحریم کنز

کنز به معنی ذخیره کردن سکه های مسکوک درهم و دینار است ، به نحوی که این سکه ها از جریان گردش پول خارج شود و تقاضای پول بر عرضه آن فزونی گیرد . این عمل که قبلاً "تشریح شد ، به شدت از جانب قرآن کریم مورد سرزنش و تقبیح قرار گرفته و تحریم

شده است .

بدیهی است که تحریم کنزبرشیات و دوام گردش پول فوق العاده مؤثر بوده و جلوی هرگونه نشت آنرا مسدود می کرده است . در نتیجه این اقدام ، ارزش پول نیز تثبیت شده و قدرت خرید آن محفوظ می مانده است .

۲- تحریم ربا

متداولترین شیوه‌ای که پس از اسلام به جریان تجارت و یا مصرف راه می یافت از طریق قرض ربوی یا معامله ربوی بود . رونق تجارت پیش از اسلام نیاز به سرمایه را تشدید می کرد و این شدت تقاضا ، زمینه برای عرضه ربوی آن را فراهم می کرد . به هنگام قرض ، وام دهنده شرط می کرد که مبلغی اضافه بر اصل وام باید به وی باز گردد . در موقع معامله ربا خوار سرمایه غیر نقدی خود را به مبلغی اضافه تر از مقدار آن می فروخت (۴۴) . از نظر ثروتمندان قریش ، ربا بهترین شیوه بهره برداری از پس اندازهایشان بود ، چون بارها خواری ، رنج و تعب مسافرت و حمل و نقل کالا را برای تجارت لازم نبود تحمل کنند و بدون این سختیها بهره‌ای بدست می آوردند . این بهره در عین حال شایان توجه بود ، زیرا اندوخته سرمایه در میان اهل حجاز که عموماً " چادر نشین و بیابانگرد بودند خیلی محدود بود و علاوه بر آن در تجارت تقاضای میرمی برای سرمایه وجود داشت . علاوه بر دو جهت مذکور ، مالداران مجبور نبودند خطرهای توأم با فعالیت تجارت را متحمل شوند . راههای طولانی ، خشک و ناامن ، خطرهای زیادی را برای کاروانهای تجاری پیش می آورد . در عوض ، سرمایه ربا دهندگان و ربح آن از هر خطری مصون بود . چنانچه وام گیرنده‌ای قرض ربوی خود را نمی توانست بپردازد به بردگی ربا دهنده در می آمد (۴۵) .

پیامبر اسلام ربا خواری را از ابتدای بعثت مورد نکوهش قرار دادند و پیوسته مسلمانان را از این کردار نهی می کردند . ضمن پرورش اخلاق اقتصادی برای مسلمانان و مذموم شناختن ربا ، به تدریج دامنه این عمل را محدود ساختند (۴۶) . پس از مدتی ربای مرکب را تحریم کردند و در سالهای آخر هجرت ربای ساده و یا هرگونه ربا اعم از قرض یا معامله به هر اندازه را به شدت تحریم کردند و گناه ارتکاب به آنرا یکی از بالاترین معاصی برای مسلمانان اعلام کردند (۴۷) .

در نتیجه ، این کردار مذموم از حوزه فعالیت‌های اقتصادی صدر اسلام پاک شد ، و پس اندازها از راههای مجازی که پیش از این ذکر شد ، فقط امکان داشت به انتفاع و

بهره‌گیری برسند .

این تحریم دامنه استفاده از پول را کاملا محدود کرد . جواز طریق مشارکت و ایجاد ارزش افزوده راهی برای انتفاع صاحبان پس‌انداز باقی نماند . در واقع، تحریم مزبور، پس‌اندازکنندگان را نیازمند سرمایه‌گذاران ساخت تا از طریق ایشان بتوانند به کسب درآمد نائل آیند . این تغییر وضعیت که صرفا در اثر تغییر حقوق اقتصادی و امتیازات قانونی در اقتصاد صدر اسلام پدید آمد ، همراه با سایر تشویق‌هایی که از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به عمل می‌آمد ، امتیاز قانونی و منزلت جدیدی برای ایشان ایجاد می‌کرد که خود به خود درصد سهم ایشان را در مشارکتها بالا می‌برد . غیر از این ، سایر امتیازاتی که شارع اسلام برای کارگزار در جریان فعالیت‌های اقتصادی قائل شده است ، مزیت نسبی حقوقی و اقتصادی برای او ایجاد می‌کند (۴۸) . این تحولات در مجموع ، تقاضا برای سرمایه‌گذاری را در اقتصاد صدر اسلام بالا برد و جریان گردش پول و کالا را هماهنگ و متوازن ساخت .

۳- تحریم معاملات کالی به کالی

رونق بازار کالا و جریان سرمایه‌گذاری در اثر اقدامات سابق الذکر ، ایجاب می‌کند که در بازارهای مزبور نیز اصلاحات و تحولات زیادی به وجود آید تا فعالیت‌های تولیدی و خدماتی با سرعت و کارآیی زیادی بتواند صورت گیرد . تغییرات و تحولاتی که در بازار معاملات از جانب شارع مقدس اسلام پدید آمد به قدری گسترده و جامع است که از حوصله مقاله حاضر خارج است (۴۹) . لذا ، فقط یکی از تحولاتی را که بر جریان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اثر مستقیم دارد بررسی می‌کنیم .

در شرع اسلام ، هم معاملات نقد جایز شمرده شد و هم نسیه . در معامله نوع اول کالا و پول ، همزمان رد و بدل می‌شوند در حالیکه در معامله نسیه کالا در زمان انجام معامله پرداخت می‌شود و پول پس از مدت معینی و یا برعکس ، پول نقدا پرداخت می‌شود و کالا پس از مدت معینی مسترد می‌شود . حال اگر ، هیچکدام از کالا و پول در زمان عقد قرارداد تحویل نشود ، معامله کالی به کالی خوانده می‌شود و از طرف شرع تحریم شده است .

اگر این نوع معامله تحریم نشده بود ، بازار بورس طلا و نقره و سایر اشیاء بهادار بزودی تشکیل می‌شد و بخشی از پس‌اندازها به سوداگری در این بازارها اختصاص می‌یافت . در آن صورت بدون پدید آمدن ارزش افزوده واقعی در اقتصاد ، درآمدی عاید صاحبان

پس انداز می‌شد و خود به خود، به مرور زمان جریان گردش پول و کالا نیز هماهنگی و تعادل خود را از دست می‌داد.

تحریم معامله یاد شده از انحراف پس اندازها از جریان واقعی تولید و خدمات جلوگیری به عمل آورد و چنانکه گفته شد از پدید آمدن بازار بورس در اقتصاد پیشگیری کرد، همچنانکه تحریم ربا، از تشکیل بازار وام جلوگیری کرد.

سیاستهای تشویقی

یکی از اهداف سیاستهای پولی، جذب پس اندازها و هدایت آنها به جریان سرمایه‌گذاری می‌باشد تا توازن جریان گردش پول و کالا حفظ شده و ارزش پول مصون بماند. یکی از راههای تحقق این هدف در اسلام تحریم فعالیتهاست که پس انداز را از مسیر سرمایه‌گذاری منحرف می‌سازد. برخی از این موارد، همانند تحریم کنز و ربا و آثار آنها قبلاً توضیح داده شدند. شیوه دومی که موجب تحقق این هدف می‌شد تشویق و ترغیبی است که در اسلام از برخی فعالیتهای اقتصادی به عمل آمده و آنها را در ردیف عبادات درآورده است. سه نمونه از این فعالیتها که برای آنها در قرآن کریم اجر و ثواب قرار داده شده است و در صدر اسلام مورد تشویق پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) قرار گرفته‌اند در اینجا معرفی می‌شوند. آثار این فعالیتها کمک به هدایت پس اندازها به جریان سرمایه‌گذاری و در نتیجه حفظ توازن جریان گردش پول و کالا در اقتصاد صدر اسلام می‌باشد. از این نظر می‌توان این اقدامات را سیاستهای تشویقی پولی تلقی کرد.

در صدر اسلام با تشویق زیادی که پیامبر اکرم (ص) برای قرض دادن به عمل می‌آوردند و اجر و ثوابی که در قرآن کریم به این عبادت اختصاص داده شده است (۵۰) انگیزه فوق العاده‌ای برای پس اندازکنندگان پدید می‌آمد که وجوه پس انداز یا ثروت خویش را به تولید کنندگان قرض دهند. از این طریق، هم بازدهی کارهای تولیدی، و رفاه فعالیتهای مصرفی زیاد شده و هم رفاه و مطلوبیت پس اندازکنندگان از بابت قرض دادن بالا می‌رفت. گرچه قرض دادن از دید اقتصادی صرفاً یک خدمت تولیدی ممکن است تلقی نشود، ولی از دیدگاه قرآن کریم این عمل یک فعالیت تولیدی محسوب می‌شود که دهه یا چندین برابر بازدهی خواهد داشت (۵۱). لذا، در محاسبات مسلمانان صدر اسلام، قرض دادن یک سرمایه‌گذاری محسوب می‌شد که دارای بازدهی معنوی بود. قطع نظر از این جنبه، چون قرض دادن در دین اسلام عبادت محسوب شده، و موجب رضای خداوند

است ، مسلمانان پیوسته از صدر اسلام برای نیل به موهبت یاد شده پس اندازهای خود را قرض الحسنه داده اند .

از دیدگاه اقتصاد کلان ، قرض الحسنه موجب می شود که وام های تولیدی و مصرفی با اطلاعات کاملی که اشخاص از یکدیگر دارند ، بدون هیچگونه هزینه ای برای وام رسانی ، یا تاخیر و انتظاری برای دریافت آن ، داده شود و باز بدون تحمل مخارج برای پیگیریهای قانونی و تشکیلاتی و امه های مزبور به موقع پس داده شود . بدیهی است که رفتار یاد شده به بالا بردن رفاه کل و عرضه کل جامعه کمک شایانی می نماید .

شیوه دیگری که پس انداز ها به جریان فعالیتهای اقتصادی راهی می شد از طریق انفاق و وقف بود . به علت اجرو ثواب فوق العاده ای که شرع اسلام برای این فعالیت قائل شده است ، مسلمانان اشتیاق فراوانی به انفاق در آمد و وقف ثروت خویش داشتند (۵۲) . شور و شوق برای انفاق بحدی زیاد بود که برخی از مسلمانان ایثار می کردند (۵۳) . قرآن کریم ضمن تجلیل و ارزش نهادن بسیار برای کردارهای یاد شده ، انفاق را یک سرمایه گذاری برای مسلمانان اعلام می کند که ممکن است هفتصد برابر بازدهی داشته باشد (۵۴) . به همین جهت یاران و پیروان رسول خدا نه فقط در آمد خود را انفاق کرده بلکه ثروت خویش را وقف می کردند . اوقاف حضرت علی (ع) ، حضرت فاطمه (س) ، و سایر یاران رسول خدا (ص) در تاریخ ضبط شده است (۵۵) .

انفاق معمولاً " از پس اندازهای نقدی و غیر نقدی صورت می گیرد ، زیرا هر مسلمانی موظف است که در وهله اول مصرف خود و خانواده اش را در حد نصاب تامین کند و سپس به انفاق بپردازد . وقف نیز از پس اندازهای انباشته شده به صورت خانه ، مزرعه ، باغ و یا سرمایه گذاریهای عام المنفعه نظیر مدرسه ، مسجد ، بیمارستان ، پل ، آب انبار ، مسافرخانه و غیره انجام می شود . عشق مسلمانان از صدر اسلام تا کنون به این دو فعالیت برای جلب رضایت الهی باعث شده است که در هر کشور اسلامی انباره انبوهی از سرمایه وقف شود و برای رفع نیازمندیهای مسلمانان اختصاص داده شود (۵۶) .

جمع بندی و نتیجه گیری

گسترش و رونق تجارت در جزیره العرب از قرنهای پیش از اسلام ضرورت کاربرد یک وسیله مبادله معتبر را فراهم آورده بود . لذا ، دینار و درهم که پول رایج در روم و ایران بود ، در اقتصاد جزیره العرب پیشتر از اسلام و نیز بعد از آن وسیله مبادله قرار

گرفت. چون طرفهای تجاری اعراب، ایران و روم یا مناطق تحت نفوذ ایشان بودند، متداول شدن پول کشورهای مزبور که دارای پشتوانه معتبری بود در حجاز نیز بسیار طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد. علاوه بر این پولهای تمام عیار، شواهدی هست که حکایت از کاربرد پول اعتباری نیز می‌کند؛ لیکن، دامنه استفاده از پول اخیر بسیار محدود بوده است، به طوری که می‌توان وسیله اصلی مبادله را همان پول تمام عیار دانست. دینار و درهم به وسیله بخش خصوصی از روم و ایران هنگام حیات پیامبر اکرم (ص) وارد می‌شد. هیچ محدودیتی برای واردات پول یاد شده وجود نداشت و برحسب تقاضای داخلی مقدار مورد نیاز وارد می‌شد. بدینجهت عرضه پول در اقتصاد صدر اسلام، نسبت به سطح درآمد ملی، کاملاً با کفش بود. تقاضای پول نیز که شامل تقاضای معاملاتی و تقاضای احتیاطی می‌شد باز تابعی از درآمد ملی بود. نظر به محدودیت اقتصاد جزیره‌العرب نسبت به اقتصاد ایران و روم، ارزش پول که به شکل درون‌زا در ایران یا روم تعیین می‌شد به طور برون‌زا نیز برای حجاز معین می‌گشت. بنابراین، تنها اقدامی که از جانب بیت‌العمال برای حفظ ارزش پول به عمل می‌آمد، نظارت بر عیار سکه‌های دینار و درهم بود؛ چون در این صورت ارزش اسمی و واقعی پول تمام عیار محفوظ می‌ماند. در دوران جانشینان پیامبر اسلام (ص) فتوحات بسیاری انجام گرفت و اقتصاد ایران و بخشی از روم در اقتصاد صدر اسلام ادغام شد. لذا، برخورد بیت‌العمال با بازار پول در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام کاملاً "متحول شد. برای اولین بار سکه به نام دولت اسلامی ضرب شد و تعیین حجم پول در اختیار بیت‌العمال قرار گرفت. برای حسن عملکرد بازار پول، اقدامات دیگری نیز از جانب بیت‌العمال به عمل آمد که عبارت بود از مداخلات مستقیم، وضع قوانین و مقرراتی که کنز پول، داد و ستد و ام و معامله ربوی، و معاملات کالی به کالی را تحریم کرد، و نیز استفاده از سیاستهای تشویقی برای گسترش قرض الحسنه، انفاق و وقف که به هدایت پس‌اندازها به جریان سرمایه‌گذاری و توازن جریان گردش پول یا گردش کالا و بنابراین حفظ ارزش پول کمک می‌کرد. با این وصف، ملاحظه می‌شود که با گسترش دامنه اقتصاد صدر اسلام از حجاز به بخش اعظم قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا و گسترش بازار پول در این اقتصاد، اقدامات و سیاستهای بخش عمومی نیز کاملاً تغییر و تحول پیدا می‌کند و از نظارت بر کیفیت پول به کنترل کامل عرضه پول، انحلال بازار و ام ربوی، تحریم کنز پول و فعالیت‌های سفته‌بازی و بالاخره دخالت‌های مستقیم برای هدایت خدمات صرافی و تشویق و ترغیب به قرض الحسنه، وقف و انفاق که پس‌اندازهای

نقدی و جسمانی را به فعالیتهای تولیدی و عام المنفعه اختصاص می‌دهد گسترش می‌یابد .
مجموعه این دخالتها ، قوانین و مقررات ، تشویقها ، و کنترل عرضه پول ، وضع پول و تحول
سیاستهای پولی را در صدر اسلام نشان می‌دهد .

زیر نویسها

- ۱- فیاض ، ۱۲- ۱۱ .
- ۲- آیتی ، ۲۳ .
- ۳- شهیدی ، ۱۶- ۱۳ .
- ۴- آیتی ، ۴۰ .
- ۵ و ۶- ابن هشام ، ج ۱ ، ص ۱۱۹
- ۷- آیتی ، ۶۰ .
- ۸- شهیدی ، ۲۲ .
- ۹- شهیدی ، ۲۲ .
- ۱۰- بلاذری ، ۴۵۲ .
- ۱۱- کتانی ، ج ۲ ، ۴۲۸- ۱۴۲ .
- ۱۲- ابن طقطقی (ابن طباطبا) ، ۱۱۴- ۱۱۲ .
- ۱۳- افغانی ، ۴۲ .
- ۱۴- یعقوبی ، ج ۲ ، ۴۳- ۴۲ .
- ۱۵- به کتب فقهی یارساله توضیح المسائل رجوع کنید .
- ۱۶- Hassan- uz-zaman 337 .
- ۱۷- کتانی ، ج ۲ ، ۴۲۸- ۴۱۳ .
- ۱۸- مرتضی ، ۱۳۷- ۱۲۷ .
- ۱۹- در سال اول خلافت حضرت علی (ع) جنگ جمل ، در سال دوم جنگ صفین و در سال سوم جنگ نهروان روی داد .
- ۲۰- آیتی ، ۴۵۰- ۴۴۵ .
- ۲۱- کاظم صدر ، ۱۳۶۵ .
- ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵- همان ماخذ پیش .

۲۶- ابویوسف ، ۱۳۴ .

۲۷- آیتی ، ۲۲۷- ۲۱۹ .

۲۸- قرآن کریم ، سوره توبه آیه ۳۴ و ۳۵- راغب در " مفردات " کنز را به معنی روی هم نهادن مال و نگهداری آن معنی کرده است (ص ۴۴۲) . مرحوم علامه طباطبائی ضمن پذیرفتن این معنی در تفسیر آیه مورد اشاره از کنز به " حبس پول " یاد می‌کنند . کنز هنگامی صورت می‌گیرد که از نظری " . . . در یک گوشه اجتماع مال فراوانی دفن و روی هم انباشته شده ، در حالی که در چهار گوشه اجتماع ، احتیاج ضروری به پول ، حیات اجتماع را تهدید می‌کند " .

طباطبائی پس از بحث و تفسیر آیه مبارکه نتیجه می‌گیرد: " پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه در بارهٔ حوائج ضروریش ، سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند ، اونیز از کسانی است که در باره خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد ، چون او خودش را بر خدایش مقدم داشته ، و احتیاج موهوم و احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است " (ترجمه المیزان ، ج ۱۸ ص ۹۳- ۹۵) .

۲۹- کاظم صدر ، ۱۳۶۲ .

۳۰- کتانی ، ج ۱ ، ۲۸۵ و ج ۲ ، ۵۸- ۵۸ .

۳۱- کاظم صدر ، ۱۳۶۵ .

۳۲- به مقدمه کتاب اسواق العرب فی الجاهلیه مراجعه کنید .

۳۳- آیتی ، ۲۳ .

۳۴- آیتی ، ۲۲۷- ۲۱۹ .

۳۵- کاظم صدر ، ۱۳۶۵ .

۳۶- مأخذ پیش .

۳۸- احمدی میانجی ، ۱۰۵ .

۳۸- عقداخوت در آغاز هجرت پیامبر اسلام به مدینه ، میان مهاجران و انصار بسته شد . به موجب این عقد دو برادر موظف بودند که نیازهای معیشتی و فرهنگی و دینی یکدیگر را مرتفع سازند . برای مدت محدودی ، دو برادر از یکدیگر نیز ارث می‌بردند .

۳۹- احمدی ، ۱۰۶ و صدر ، ۱۳۶۵ .

۴۰- کتانی ، ج ۲ ، ۵۴- ۵۳ .

- ۴۱- کتانی ، ج ۱ ، ۲۸۳-۳۸۲ .
- ۴۲- به رساله توضیح المسائل مراجعه کنید .
- ۴۳- المرتضی ، ۴۴ .
- ۴۴- شهابی ، ج ۱ ، ۳۶۳ .
- ۴۵- شهابی ، ج ۱ ، ۳۶۴ .
- ۴۶- روم ، آیه ۳۹ .
- ۴۷- بقره آیه ۲۷۶ .
- ۴۸- به اقتصادنا جلد دوم مراجعه کنید .
- ۴۹- به مباحث معاملات یا تجارت در کتب فقهی از جمله مختصر نافع رجوع کنید .
- ۵۰ و ۵۱- سوره بقره آیه ۲۴۵ ، سوره حدید آیات ۱۱ و ۱۷ ، سوره تغابن آیه ۱۷ .
- ۵۲- به کتاب " نظریه تقاضا و انفاق " تالیف دکتر ایرج توتونچیان مراجعه کنید .
- ۵۳- سوره حشر آیه ۹ .
- ۵۴- سوره بقره ، آیه ۲۶۱ .
- ۵۵- احمدی میانجی ، ۹۳-۷۴ .
- ۵۶- اوقاف حضرت رضا علیه السلام در مشهد ، حضرت معصومه (ع) در قم ، حضرت عبدالعظیم در ری و حضرت شاهچراغ در شیراز و نیز کلیه مساجد ، بیمارستانها ، مدارس علمیه ، آب انبارها ، حسینیهها ، راهها و پلها که توسط افراد خیر ساخته شده نمونه‌هایی است از انباره ثروت وقف شده در کشورمان .

منابع

- ۱- ابویوسف یعقوب بن ابراهیم . کتاب الخراج . بیروت : دارالمعرفه ، ۱۹۷۹ میلادی .
- ۲- ابن طفلقی (ابن طباطبا) . احمد بن محمد . تاریخ فخری . ترجمه محمد وحید گلپایگانی ، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۶۰ .
- ۳- الافغانی ، سعید . اسواق العرب فی الجاهلیه والا سلام . دمشق : دارالفکر ، ۱۹۶۰ .
- ۴- ابن هشام ، عبدالله بن یوسف . زندگانی محمد پیامبر اسلام ، ترجمه السیره- النبویه ، هاشم رسولی دوجلد . تهران کتابفروشی اسلامیة ، بی تاریخ .
- ۵- احمدی میانجی ، علی . مالکیت خصوصی زمین . قم : دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۱ .
- ۶- آیتی ، محمد ابراهیم . تاریخ پیامبر اسلام . به کوشش ابوالقاسم گرجی . تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۸ .
- ۷- بلاذری ، احمد بن یحیی ، فتوح البلدان . علق علیه رضوان محمد رضوان . بیروت : دارالکتب العلمیه ، ۱۹۷۸ م .
- ۸- توتونچیان ، ایرج . تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق . تهران : مرکز اطلاعات فنی ایران ، ۱۳۶۳ .
- ۹- راغب اصفهانی . المفردات فی غریب القرآن . بیروت : دارالمعرفه ، بی تاریخ .
- ۱۰- شهابی ، محمود . ادوار فقه علم سه جلد چاپ سوم . تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۷ .
- ۱۱- شهیدی ، جعفر . تاریخ تحلیلی اسلام . تهران : مرکز نشر- انشگاهی ، ۱۳۶۲ .
- ۱۲- صدر ، سید محمد باقر . اقتصادنا . بیروت : دارالفکر ، ۱۳۸۹ هـ . ق .
- ۱۳- صدر ، کاظم . "سیاستهای مالی در صدر اسلام" برنامه و توسعه ، شماره ۴ و ۵ بهار ۱۳۶۵ .
- ۱۴- صدر ، کاظم . احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد . قم : انتشارات ۲۲ بهمن ، ۱۳۶۲ .
- ۱۵- طباطبائی ، محمد حسن . المیزان فی تفسیر القرآن . ترجمه محمد باقر

- موسوی . جلد ۱۸ . کانون انتشارات محمدی . تهران ، ۱۳۴۸ .
- ۱۶ - فیاض ، علی اکبر . تاریخ اسلام . چاپ دوم . تهران انتشارات دانشگاه
تهران ، ۱۳۳۵ .
- ۱۷ - الکتانی ، عبدالحی . نظام الحکومه النبویه ، المسمى التراتیب الاداریه ،
بیروت : دار احیاء التراث العربی .
- ۱۸ - محقق حلی . مختصر نافع . به اهتمام محمد تقی دانش پژوه تهران : مرکز
انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۶۲ .
- ۱۹ - مرتضی ، جعفر . دراسات و بحوث فی التاریخ والاسلام ، ۱۴۰۰ هـ . ق .
- ۲۰ - مرتضی ، جعفر . السوق فی ظل الدوله الاسلامیه . بیروت : الدار الاسلامیه ،
۱۹۸۸ .

۲۱ - یعقوبی ، احمد بن اسحاق . تاریخ یعقوبی ، دو جلد . ترجمه محمد ابراهیم
آیتی ، تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۶۲ .

۲۲ - Hasan-UZ-Zaman. The Economic Functions of the Early
Islamic state. Karachi, International Islamic Publishers,
1981.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی